



مقایسه مکانیزم‌های دفاعی، سرسختی روان‌شناختی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و

پسر

سارا گودرزی*^۱

۱- گروه روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی کامل

دریافت: ۲۲ اسفند ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۷ فروردین ۱۴۰۲

ارائه در سایت: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

کلید واژگان:

مکانیزم‌های دفاعی

سرسختی روان‌شناختی

سازگاری اجتماعی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه مکانیزم‌های دفاعی، سرسختی روان‌شناختی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر انجام گرفت. این پژوهش در قالب یک طرح توصیفی از نوع علی - مقایسه ای بود. بدین منظور از کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲، ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر پسر و ۱۰۰ نفر دختر) به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شد. تجزیه و تحلیل یافته ها از طریق آزمون تحلیل واریانس چندراهه و تی مستقل نشان دادند که بین مکانیزم‌های دفاعی، سرسختی روان‌شناختی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی دار دارد ($P < 0.05$). دانشجویان دختر سازگاری اجتماعی بالاتری نسبت به پسران دارند و در مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته میانگین بالاتر و در مکانیزم‌های دفاعی رشدنیافته، میانگین پایین تری نسبت به پسران دارند؛ اما بین مکانیزم‌های دفاعی روان آزرده دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود نداشت. همچنین بین سرسختی روان‌شناختی دانشجویان (کنترل، تعهد و چالش جویی) دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد و پسران سرسختی روان‌شناختی بالاتری نسبت به دختران دارند. با توجه به نتایج باید گفت بین مکانیزم‌های دفاعی، سرسختی روان‌شناختی و سازگاری اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت تفاوت وجود دارد، ازاین‌رو این می‌تواند به‌عنوان مبنای نظری مناسبی در جهت تدوین برنامه ها و مداخلات آموزشی- درمانی در دانشگاه ها مورد استفاده قرار گیرد.

Comparison of defense mechanisms, psychological toughness and social adjustment of male and female students

1,* Sara Gooderzi

1- Department of General Psychology, Faculty of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Article Information

Original

Received 2023-03-13

Accepted 2023-04-06

Available Online 2023-04-25

Keywords:

Defense mechanisms

Psychological toughness

Social adjustment

Abstract

The present study was conducted with the aim of comparing defense mechanisms, psychological toughness and social adjustment of male and female students. This research was in the form of a causal-comparative descriptive design. For this purpose, 200 students (100 boys and 100 girls) were selected from all the students of Azad University of Tehran branch in the academic year 1401-1402 by multi-stage cluster random sampling method. Data was collected using a questionnaire. The analysis of findings through multiway analysis of variance and independent t test showed that there is a significant difference between defense mechanisms, psychological toughness and social adjustment of male and female students ($P < 0.05$). Female students have higher social adjustment than boys and have a higher average in developed defense mechanisms and a lower average in underdeveloped defense mechanisms than boys; But there was no significant difference between male and female students' neurotic defense mechanisms. Also, there is a significant difference between male and female students' psychological toughness (control, commitment, and challenge-seeking), and boys have higher psychological toughness than girls. According to the results, it should be said that there is a difference between the defense mechanisms, psychological toughness and social adaptation of students based on gender, so this can be used as a suitable theoretical basis for the development of programs and educational-therapeutic interventions in universities.

۱- مقدمه

پاسخ‌دهی به فشارها دسترسی پیدا می‌کند و باعث می‌شود که فرد فشارها را به‌صورتی واقع‌بینانه و با بلندنظری مورد توجه قرار دهد (حیدری‌راد و همکاران، ۱۳۹۶). از طرف دیگر جنسیت یک ساختار اجتماعی پیچیده است و نقش‌های جنسیتی ممکن است تا حدی تفاوت‌های بین دانشجویان دختر و پسر را توضیح دهد (Chang et al, 2022). جنسیت در مطالعه حاضر لحاظ شده است. زیرا به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی در سرسختی روان‌شناختی، مکانیزم‌های دفاعی و سازگاری اجتماعی وجود دارد. با توجه به مطالب بیان‌شده هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تفاوت مکانیزم‌های دفاعی و سرسختی روان‌شناختی سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر می‌باشد.

۲- بیان مسئله تحقیق

ورود به سیستم آموزش عالی یک چالش انطباقی برای دانشجویان است، زیرا آن‌ها با شرایط مختلف تغییر یافته، مانند تغییر در روش‌های آموزشی، شرایط محیطی و یک محیط اجتماعی جدید که منجر به استرس می‌شود، روبرو هستند. سازگاری ضعیف یا آهسته می‌تواند منجر به افت تحصیلی شود، مانند نمرات پایین، ترک دانشگاه، اخراج از دانشگاه، یا مواجهه با سایر مسائل مشکل‌ساز شدید مانند وابستگی به مواد مخدر و خودکشی (D'Silva & Aminabhavi, 2013). وقتی فردی تحریک می‌شود با ابراز سازگاری پاسخ می‌دهد. اینکه آیا یک فرد می‌تواند سازگار شود بستگی به شدت محرک و سطح توانایی فرد برای سازگاری با شرایط در حال تغییر دارد (Ruangying, 2022). سازگاری یک مفهوم چندمعنایی و بین‌رشته‌ای است که می‌تواند به‌عنوان یک فرآیند پویا از سازگاری مداوم با محیط‌ها در نظر گرفته شود (Tamminen & Crocker, 2014) و به معنای توانایی فرد در تطابق با محیط اطرافش است که می‌تواند در حیطه‌های مختلفی از جمله ابعاد اجتماعی، خانوادگی، عاطفی و تحصیلی مطرح شود (بهداری خسروشاهی و حبیبی-کلیبر، ۱۳۹۶). در این میان، مطالعه یکی از ابعاد سازگاری، به‌خصوص در جمعیت دانشجویان که به‌هنگام ورود به محیط آموزشی دانشگاه با تغییرات جدیدی روبرو می‌شوند، اهمیت دارد و آن سازگاری اجتماعی است. سازگاری اجتماعی به تجربیات اجتماعی و عاطفی دانشجویان دختر و پسر اشاره دارد که در زمینه دانشگاه شامل این است که دانشجو تا چه اندازه در محیط دانشگاه و کلاس احساس خوبی و امنیت می‌کند و با همسالان خود کنار می‌آید. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که توانایی سازگاری اجتماعی به‌خصوص با محیط دانشگاه، باعث بالا بردن کارایی و کفایت تحصیلی دانشجویان نیز می‌گردد (عباسی رستمی و رشیدی، ۱۳۹۹). بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در مورد رابطه سازگاری اجتماعی با جنسیت بر روی مکانیزم‌های مختلفی که هرکدام از دو جنس برای سازگاری اجتماعی مورد استفاده قرار می‌دهند، متمرکز شده‌اند و کمتر به مقایسه میزان سازگاری اجتماعی در دو جنس پرداخته‌اند. در معدودی پژوهش‌هایی که وجود داشت به این نتیجه رسیده‌اند که میزان سازگاری اجتماعی در دختران و پسران متفاوت است (Ruangying, 2022) (ابراهیم‌پور و عالی-شاهی، ۱۳۹۶). در برخی این سازگاری در دختران بیش از پسران است (خدارحمی و همکاران، ۱۳۹۴) و از طرفی کائور و شارما (۲۰۲۲) و عباداتی و عباداتی (۱۴۰۱) که نشان دادند پسران سازگارت‌تر از دختران هستند. مکانیزم‌های دفاعی متغیر دیگری است که به نظر در بین پسران و دختران دانشجو تفاوت‌هایی دارد. در برخی پژوهش‌ها مشخص شده است که زنان بیشتر از دفاع‌های درونی و ارتباط محور مانند جسمانی کردن واکنش‌سازی،

انتقال به دانشگاه یکی از حساس‌ترین وقایع زندگی جوانان و همراه با استرس‌های مختلفی است. سازگاری با دانشگاه لازمه عملکرد مناسب دانشجویان تلقی شده و با متغیرهای مختلفی ارتباط دارد (زکی، ۱۳۸۹). دوره دانشجویی، دوره مهمی از زندگی است که افراد ممکن است بیشترین مشکلات را در سازگاری یا مسائل مشکل‌ساز تجربه کنند. این به دلیل یادگیری و رفتارهای اجتماعی دانشجویان است که در آینده بر افکار، نگرش‌ها، ارزش‌ها و شخصیت آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین سازگاری اجتماعی دانشجویان مهم است (Ruangying, 2022). که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد. رشد اجتماعی مهم‌ترین جنبه وجود هر شخصی محسوب می‌شود و معیار اندازه‌گیری رشد اجتماعی فرد، سازگاری او با دیگران است. رشد اجتماعی نه‌تنها در سازگاری با اطرافیانی که شخص با آن‌ها در ارتباط است مؤثر است، بلکه بعدها در موقعیت شغلی و تحصیلی او نیز تأثیر دارد. سازگاری اجتماعی فرایند پیوسته‌ای است که در آن تجربیات اجتماعی شخصی باعث ایجاد نیازهای روانی می‌گردد و نیز امکان کسب توانایی و مهارت‌هایی را فراهم می‌سازد که از آن طریق می‌توان به ارضاء نیازها پرداخت. از سوی دیگر فردی که از سازگاری اجتماعی مطلوبی برخوردار است، می‌تواند ارتباط نزدیک با دیگران برقرار کند، خودش را از سو استفاده دیگران دور نگه دارد و دامنه‌ی وسیعی از نیازها و افکار مثبت و منفی را ابراز نماید، بی‌آن‌که احساس گناه و اضطراب کند و یا به حقوق دیگران لطمه بزند (طالب‌زاده شوشتری، ۱۳۹۸).

مکانیزم‌های دفاعی متغیر دیگر مورد بررسی در این پژوهش می‌باشد. مکانیزم‌های دفاعی را می‌توان به‌عنوان فرآیندهای روان‌شناختی خودکار توصیف کرد که می‌تواند فرد را از ترس و همچنین سایر خواسته‌ها و عوامل استرس‌زای عمومی‌تر محافظت کند. به‌عبارت‌دیگر: با کمک مکانیزم‌های دفاعی که معمولاً خارج از برنامه‌ریزی و مقابله آگاهانه عمل می‌کنند، افراد می‌توانند تجربه حالت‌های درونی، عمدتاً احساسی و همچنین پردازش اطلاعات از دنیای بیرون را اصلاح کنند (Weber et al, 2021). فروید (۱۹۳۸)، مکانیزم دفاعی شخص، یعنی فراوانی استفاده از مکانیزم‌های دفاعی متفاوت در مقایسه با دیگران را متغیر اصلی برای شناخت شخصیت، آسیب‌شناسی و میزان سازش یافتگی می‌داند. به‌طورکلی، این مکانیزم‌ها، اضطراب ناشی از تعارضات درون روانی حاصل از سائق‌های لذت‌گرا را کاهش می‌دهند و برحسب کنش‌وری، ممکن است رشد یافته، روان‌آزوده (نوروتیک) و رشد نیافته باشند. سبک دفاعی رشد یافته، روش طبیعی، سازش یافته و کارآمد مقابله را نشان می‌دهد و با سلامت جسمانی و روانی در ارتباط است. سبک‌های رشد نیافته و روان‌آزوده، ممکن است پیامد راهبردهای سازش‌نیافته و ناکارآمد در نظر گرفته شوند که با شاخص‌های منفی سلامت، مانند افسردگی و اختلالات شخصیت در ارتباط هستند (حقیقی و همکاران، ۱۳۹۸). متغیر دیگر که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد سرسختی روان‌شناختی می‌باشد. ریشه‌های مفهومی سرسختی برخلاف دیدگاه‌های معتقد به واکنش انفعالی انسان که در اغلب کارها در زمینه فشارهای روانی و بیماری مشاهده می‌شود، برگرفته از مجموعه‌ای از رویکردها در خصوص رفتار انسانی است که در مقوله‌بندی نظریه‌های عمده شخصیت، آن‌ها را نظریه تکامل می‌نامند. سرسختی به‌عنوان یکی از سازه‌های اصلی شخصیت برای فهم انگیزش، هیجان و رفتار مفهوم‌سازی شده است. سرسختی زاینده دانشی است که بر مبنای آن شخص به منابع بیشتری جهت

کاهش می‌دهد، مهارت‌های اجتماعی را بهبود می‌بخشد و اختلافات در سلامت روانی دانشجویان را توضیح می‌دهد (Sadeghi and Einaky, 2020). این یافته‌ها نشان می‌دهد که سرسختی برای دانشجویان دانشگاه ضروری است تا سلامت جسمی و روانی خود را در طول زندگی حرفه‌ای و تحصیلی خود حفظ کنند؛ بنابراین با توجه به اهمیت بررسی سازگاری اجتماعی، مکانیزم‌های دفاعی و سرسختی روان‌شناختی در دانشجویان به‌خصوص در شرایط کنونی جامعه از جمله همه‌گیری بیماری، مشکلات اقتصادی و مواردی از این مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا بین مکانیزم‌های دفاعی و سرسختی روان‌شناختی سازگاری اجتماعی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

۳- مبانی تحقیق

۳-۱- سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی به معنای کنار آمدن با هنجارهای اجتماعی، رعایت قوانین و اصول اجتماعی، برقراری ارتباطات اجتماعی کارآمد و تلاش برای رضایت از آنهاست. یک فرد سازگار اجتماعی می‌تواند اطلاعات دریافتی از محیط را به‌درستی پردازش کند. چنین فردی می‌تواند برای خود یک نظام ارزشی تعیین کند تا از نوسانات نامطلوب ذهنی و اختلاف نظر با دیگران آسیب نبیند (Cordier et al, 2015). ری و الیوت (۲۰۱۹) گزارش کردند که مؤلفه‌های خودپنداره و مهارت‌های اجتماعی، شاخص‌های سازگاری اجتماعی هستند و افراد با سطح بالاتری از مهارت‌های اجتماعی و خودپنداره مثبت‌تر، سطوح بالاتر سازگاری اجتماعی و شایستگی تحصیلی را بیان می‌کنند (Ray and Elliott, 2019). سازگاری اجتماعی به توانایی ایجاد روابط رضایت‌بخش با افراد دیگر اشاره دارد و سازگاری عاطفی شامل پذیرش شخصی شرایط است که ممکن است شامل انطباق نگرش‌ها و عواطف بر این اساس باشد بنابراین، یک دانشجوی شتاب‌دار با سازگاری اجتماعی و عاطفی، دانشجویی است که پاسخ‌های اجتماعی و روان‌شناختی مناسبی را نسبت به جوان بودن دانشجوی در دانشگاه نشان می‌دهد. در تحقیق بر روی دانش‌آموزان شتاب‌زده، اصطلاحات متعددی با توجه به اثرات غیر تحصیلی شتاب و سازگاری غیرآکادمیک دانش‌آموزان شتاب‌زده با محیط یادگیری جدیدشان استفاده می‌شود (Schoor et al, 2021). در یک متاآنالیز، راجرز (۲۰۱۵) معیارهای سازگاری اجتماعی را شامل طیف گسترده‌ای از ویژگی‌ها مانند خودپنداره اجتماعی، بلوغ اجتماعی، پذیرش همسالان، دوستی‌ها، مشارکت در سازمان‌ها و روابط خانوادگی یافت. اثرات سازگاری روان‌شناختی نیز با طیف گسترده‌ای از ویژگی‌ها مانند ویژگی‌های شخصیتی، خودکارآمدی، منبع کنترل، انگیزه، پذیرش خود، شادی و بهزیستی اندازه‌گیری شد (Rogers, 2015).

۳-۲- سرسختی روان‌شناختی

سرسختی صفتی است که به فرد و محیط او مربوط می‌شود؛ زیرا شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر درک و تجربه فرد از سختی و تهدید تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، درک وی از عوامل حفاظتی و نحوه استفاده از آنها و از این طریق می‌توان ابعاد و معانی سختی را شکل داد (Green et al, 2020). سرسختی روان‌شناختی به‌عنوان یک سازه به‌عنوان یک محافظ در برابر عوامل استرس‌زا ظاهر شده و عملکرد، رفتار و روحیه فرد را افزایش می‌دهد. افراد در سطوح سرسختی خود در طول یک پیوستار از کم به بالا متفاوت هستند. افرادی که از نظر روان‌شناختی سرسخت هستند، قوی‌اند، برنامه‌ای برای مقابله با استرس خود ارائه می‌کنند، به‌جای کناره‌گیری و اجتناب از آن، با

نوع‌دوستی و آرایش، آرامتی سازی و دوباره‌سازی استفاده می‌کنند و مردان اغلب از دفاع‌های برونی شده با ویژگی‌های تسلط و برتری مانند واپس‌رانی، انکار، بازداری، فرافکنی و توجیه عقلانی بیشتر سود می‌برند (مهری‌نژاد و شریفی، ۱۳۹۶). مطالعات کرامر (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که در مقایسه با زنان، افرادی که به‌عنوان مرد شناخته می‌شوند، سبک‌های دفاعی را نشان می‌دهند که به‌طور قابل‌توجهی کمتر بالغ، آسیب‌شناسانه‌تر هستند. لذا، با توجه به اهمیت شخصیت در بروز و شکل‌گیری سازگاری به‌عنوان یک رفتار اجتماعی، یکی از مفاهیم مهم به‌خصوص از نقطه‌نظر دیدگاه‌های روان‌تحلیل‌گری که در شکل‌گیری شخصیت و به طبع آن تصور فرد از خویشتن در زمینه‌های فردی، اجتماعی، تحصیلی و غیره، مؤثر است و می‌تواند با انعطاف و سازگاری و یا عدم سازگاری افراد در محیط‌های اجتماعی در ارتباط باشد، نوع مکانیزم‌های دفاعی است که فرد به کار می‌گیرد (کاظمی رضایی، شاهقلیان، کاظمی رضایی و کربلایی اسماعیل، ۱۳۹۷). مطالعات گذشته عمدتاً بر روی مقابله متمرکز شده‌اند و مکانیزم‌های دفاعی را نادیده گرفته‌اند، علی‌رغم شواهدی که نشان می‌دهند این مکانیزم‌ها برای درک فرآیند سازگاری مهم هستند (Nicolas et al, 2017). مکانیزم دفاعی فرد منعکس‌کننده ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی و توانایی‌های انطباقی است. اگر کسی نتواند مکانیزم‌های دفاعی را با موفقیت هماهنگ کند، آسیب‌های روانی ممکن است رخ دهد. بلوغ مکانیزم‌های دفاعی ارتباط مثبتی با سازگاری و ارتباط منفی با آسیب‌های روانی دارد مکانیزم دفاعی نقش مهمی در موفقیت یا شکست سازگاری شخصی با محیط دارد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت هدف از به‌کارگیری مکانیزم‌های دفاعی محافظت از فرد پیرامون احساسات دردناک، سائق‌ها و آرزوهایی است که نمی‌تواند به آن‌ها دست یابد (Sala et al, 2015).

بررسی تفاوت جنسیتی در سرسختی روان‌شناختی نیز بیانگر تفاوت بین دختران و پسران هست به‌صورتی که شیخ (۲۰۱۷) نشان داد میزان پرخاشگری در مریبان مرد و میزان سرسختی در مریبان زن بالا می‌باشد و معمولاً زنان شغل خود را نوعی عامل حضور در جامعه تصور می‌کنند و سریع‌تر ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند و نوعی حس تعهد به وظایف خود دارند. مطالعات نشان می‌دهد، یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی و سازه روان‌شناختی مهمی که مسیر رشد، پیشرفت و میزان سازگاری افراد به‌خصوص فراگیران را در محیط‌های آموزشی مشخص می‌کند و می‌تواند با آن در ارتباط باشد سرسختی روان‌شناختی است (Brown, 2017). این ویژگی شخصیتی اولین بار توسط کوباسا (۲۰۰۹)، مطرح گردیده است. وی با استفاده از نظریه‌های وجودی در شخصیت، سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خویشتن و جهان تعریف می‌کند که از سه مؤلفه تعهد، کنترل و چالش‌جویی تشکیل شده است. به‌عبارت‌دیگر، سرسختی روان‌شناختی، ویژگی است که به‌وسیله آن، فرد به منابع بیشتری برای پاسخ‌گویی به عوامل تنش‌زا دسترسی پیدا می‌کند و باعث پرورش دیدی خوش‌بینانه نسبت به این عوامل می‌شود (ملک‌پور، سلیمانی، طالبی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۶). افراد سرسخت معمولاً در واکنش به تغییرات محیطی آینده‌نگری و کنترل قوی از خود نشان می‌دهند، رفتارهای مقابله‌ای مؤثری از خود نشان می‌دهند و معتقدند که می‌توانند با تلاش‌های خود بر محیط اطراف خود تأثیر بگذارند و در نتیجه بحران‌ها را به فرصت‌هایی برای رشد تبدیل کنند تا اینکه منفعلانه پیامدهای این بحران‌ها را بپذیرند (Liu et al, 2022). مطالعات نشان داده‌اند که سرسختی می‌تواند اثرات منفی استرس تحصیلی بر سلامتی را کاهش دهد (Abdollahi et al, 2020). مطالعات همچنین مشاهده کرده‌اند که سرسختی اضطراب را

تقویت می‌آموزند. ویژگی شخصیتی کنترل شامل تمایل شخص به احساس و اقدام به‌نحوی که گویی در رویارویی با شرایط و مقتضیات گوناگون زندگی صاحب نفوذ و تسلط است، می‌باشد تا در مانده و وامانده. مبارزه‌جویی: به‌عنوان سیستم اعتقادی است که تهدید ادراک‌شده ناشی از وقایع استرس‌زای زندگی را به حداقل می‌رساند؛ یعنی این اعتقاد که در زندگی تغییر از ثبات عادی تر است و این‌که انتظار تغییر داشتن محرکی برای رشد است نه تهدیدی برای امنیت. افراد مبارزه‌جو تغییر را با آغوش باز می‌پذیرند و آن را نوعی چالش تلقی می‌کنند.

۲-۴- مکانیزم‌های دفاعی

مکانیزم‌های دفاعی در حوزه‌های مختلف روانشناسی ظاهر می‌شوند. روانشناسی بالینی، روانشناسی شخصیت، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی شناختی، روانشناسی رشد و روانکاوی. نظریه‌های مربوط به مکانیزم‌های دفاعی و استفاده از آن‌ها در رابطه با هویت روان‌شناختی حرفه‌ای محققان متفاوت است، اما می‌توان با قطعیت گفت که پایه‌های مطالعه مکانیزم‌های دفاعی توسط روانکاو زیگموند فروید پایه‌گذاری شد و بعدها توسط دخترش آنا فروید پایه‌گذاری و مورد مطالعه گسترده قرار گرفت. از نظر آن‌ها مکانیزم‌های دفاعی در محافظت از نفس در برابر اضطراب یا حداقل کاهش اضطراب نقش دارند. بعدها با پیشرفت روانشناسی اجتماعی راه جدیدی برای مشاهده این مبحث باز شد، یعنی این فرض مطرح شد که مکانیزم‌های دفاعی در خدمت محافظت از مفهوم خود و حفظ عزت‌نفس هستند (Penco, 2022). دفاع‌های روان‌شناختی یا مکانیزم‌های دفاعی به‌عنوان فرآیندهای روان‌شناختی ناخودآگاه و مستعد برای محافظت از عزت‌نفس و جلوگیری از اضطراب بیش از حد تعریف می‌شوند. این دفاع‌ها بخش بزرگی از عملکرد روزمره را تشکیل می‌دهند و در مواقع استرس زیاد، ناامیدی و تجارب عاطفی قوی و منفی به افراد خدمت می‌کنند (Cramer, 2008). مکانیزم‌های دفاعی به این صورت نیز توصیف می‌شود: «فرآیندهای روان‌شناختی خودکار که فرد را از اضطراب و آگاهی از خطرات یا عوامل استرس‌زا درونی یا بیرونی محافظت می‌کند و بین واکنش‌های فرد به تعارضات عاطفی و استرس‌های درونی و بیرونی واسطه می‌شود» و گنر و پنه بیکر (۱۹۹۳) دفاع‌های روان‌شناختی را به‌عنوان مکانیزم‌های کنترل ذهنی تعریف می‌کنند که افراد برای اجتناب یا درستکاری حالات روانی که به‌شدت بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد استفاده می‌کنند. تحقیقات طولی به این نتیجه رسیده است که مکانیزم‌های دفاعی در طول زمان تغییر می‌کنند و با افزایش سن به ترتیب متفاوتی رخ می‌دهند (Penco, 2022). طبق گفته فیست و فیست در کتاب خود با عنوان نظریه‌های شخصیت که بخشی به نظریه روانکاو فرویدی و شاخه آن مربوط است، بیان می‌کند که مکانیزم دفاعی زمانی ظاهر می‌شود که ایگو نتواند بهترین راه را برای ارضای اید و سوپرایگو بیابد. مکانیزم دفاعی به دلیل اضطراب‌ها، تنش‌ها و ناراحتی‌هایی که ذهن تجربه می‌کند، به‌طور غیرقابل کنترلی ظاهر می‌شود (Ivana and Laksono, 2022).

اگرچه مکانیزم‌های دفاعی معمولاً زمانی برجسته‌تر می‌شوند که ناسازگار باشند، همه افراد انسان از مکانیزم‌های دفاعی در زندگی روزمره خود استفاده می‌کنند (Cramer, 2008). افراد تمایل دارند الگوهای دفاعی پیش‌فرض خاصی داشته باشند که از آن‌ها برای مدیریت احساسات و افکار ناراحت‌کننده استفاده می‌کنند، اما استفاده از مکانیزم‌های دفاعی خاص نیز به شرایط، به‌ویژه به ماهیت و سطح پریشانی بستگی دارد (Perry et al, 2015). ثابت شده است که استرس با استفاده از مکانیزم‌های دفاعی سطح پایین‌تر مرتبط است

موقعیت‌های استرس‌زا مواجه می‌شوند و آن موقعیت‌های استرس‌زا را فرصت‌های یادگیری می‌دانند. برعکس، فردی که سرسختی کم دارد ممکن است در مواجهه با فراز و نشیب‌های مختلف زندگی دچار مشکل شود. چنین افرادی ممکن است کمتر متعهد باشند، توانایی کمتری برای کنترل موقعیت داشته باشند و موقعیت‌های بدیع را تهدیدی برای آسایش و امنیت خود بدانند. همان‌طور که تصور می‌شود، کنترل، تعهد و چالش ترکیبی شناختی/عاطفی هستند که یک سبک شخصیتی آموخته‌شده، رشد محور را تشکیل می‌دهند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۹). تئوری سرسختی بیان می‌کند که افرادی که احساس تعهد، کنترل و به چالش کشیده شدن مثبت در شرایط زندگی می‌کنند، تمایل دارند که رویدادها یا شرایط را کمتر استرس‌زا درک کنند و آن‌ها را قابل کنترل بدانند. تحقیقات مختلف گزارش کرده‌اند که افراد با سرسختی بالا به احتمال بیشتری شادی، رضایت از زندگی و سلامت روانی و جسمی خوب را گزارش می‌کنند (Delahaij et al, 2010). از سوی دیگر، مطالعات دیگر گزارش کرده‌اند که افراد با سرسختی پایین، احتمال بیشتری دارد که اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب و استرس را گزارش کنند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۹).

سرسختی روان‌شناختی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی، مجموعه‌ای از نگرش‌ها یا سبکی متشکل از سه ویژگی مرتبط (تعهد، کنترل و چالش) تعریف می‌شود که افراد را قادر می‌سازد تا بهتر با استرس کنار بیایند (Delahaij et al, 2010). تعهد به‌عنوان تمایل به درگیر شدن در فعالیت‌های زندگی و داشتن علاقه و کنجکاو واقعی در مورد دنیای اطرافمان (فعالیت‌ها، چیزها و دیگران) تعریف می‌شود و شامل احساس شایستگی شخصی و احساس جامعه و یا شرکت، کنترل است. اعتقاد و رفتار به‌گونه‌ای تعریف شد که گویی می‌توان بر وقایع زندگی خود تأثیر گذاشت و این اعتقاد به تأثیرگذاری به‌عنوان بخشی از تلاش فرد رخ می‌دهد. این ویژگی به فرد اجازه می‌دهد تا پیامدهای قابل پیش‌بینی فعالیت‌های خود را در رویدادهای استرس‌زا درک کند و آن‌ها را به نحو مطلوب مدیریت کند (Luceno-Moreno et al, 2020). درنهایت، تمایل به چالش به‌عنوان این باور تعریف شد که تغییر، به‌جای ثبات، به‌عنوان یک روش طبیعی زندگی، فرصت‌هایی را برای رشد شخصی به‌جای تهدیدی برای امنیت فرد ایجاد می‌کند. لازم به ذکر است که مدی در سال ۲۰۰۵ بعد دیگری به نام ارتباط را به‌عنوان بعد چهارم یا درجه ۴ سختی پیشنهاد کرد. به گفته وی، افراد بخشی از قدرت و توانایی خود را برای رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا به دلیل ارتباط با سایر افراد جامعه به دست می‌آورند؛ بنابراین ارتباط یکی از عواملی است که نقش مهمی در ایجاد و حفظ سرسختی دارد. موند در سال ۲۰۱۷ فرهنگ را به‌عنوان بعد پنجم یا پنجمین درجه تأثیرگذار بر سرسختی پیشنهاد کرد. به‌عبارت‌دیگر، او پیشنهاد کرد که سرسختی نباید بدون توجه به فرهنگ به‌عنوان یک رویکرد ساده تفسیر شود (Mund, 2017).

۳-۳- ابعاد سرسختی روان‌شناختی

از دیدگاه کوباسا (۲۰۱۴) فرد سرسخت کسی است که سه مشخصه عمومی دارد: الف) تعهد ب) کنترل ج) مبارزه‌جویی. تعهد: یعنی اعتقاد به اهمیت، جالب بودن و معنی‌داری فعالیت‌های زندگی است. کوباسا معتقد است که تعهد، اساسی‌ترین عامل حفظ بهداشت است. مناسبات افراد متعهد با خودشان و با محیطشان متضمن فعال بودن و روی‌آوری است تا منفعل بودن و روی‌گردانی. کنترل: کوباسا با استفاده از منبع کنترل راتر به مفهوم کنترل دست یافت. افراد منبع کنترل را بر اساس تجارب و یادگیری مرتبط با

اتفاق می‌افتند. این ترسیم شامل مفهوم قصد است. اقدام با قصد تغییر مکانیزم‌های مقابله را توصیف می‌کند، درحالی‌که عمل بدون قصد، یعنی بدون انتخاب آگاهانه، دفاع را توصیف می‌کند. درحالی‌که برخی از رفتارهای مقابله‌ای بدون قصد رخ می‌دهند، مانند مقابله معمولی، این موضوع در وهله اول موضوع طبقه‌بندی آن‌ها را به‌عنوان مکانیزم‌های مقابله‌ای مطرح می‌کند. مبارزه برای تعریف مفاهیم خاص به‌عنوان دفاع یا مکانیزم‌های مقابله‌ای همچنان به‌عنوان یک موضوع مورد بحث در روانشناسی است. به‌علاوه، دفاع‌ها فقط بر تغییر حالت‌های داخلی متمرکز هستند، درحالی‌که مکانیزم‌های مقابله می‌توانند حالت‌های داخلی یا خارجی را بسته به نیاز و موقعیت تغییر دهند. به‌عنوان مثال، فردی را تصور کنید که خانواده‌ای برای حمایت از او دارد. این فرد در مدیریت هزینه‌های غیرمنتظره در خانه با مشکلاتی روبرو بوده است و در حال حاضر برای پرداخت کامل و به‌موقع صورتحساب‌های ماهانه با مشکل مواجه است. این فرد با این فشار مالی و مسئولیت مضاعف تأمین معاش خانواده خود در سطح بالایی از استرس قرار دارد. با توجه به تئوری‌هایی که در بخش‌های قبلی مورد بحث قرار گرفت، این فرد به مکانیزم‌های مقابله‌ای و دفاعی تکیه می‌کند تا به او کمک کند تا عواطف منفی افزایش‌یافته خود را مدیریت کند. آن‌ها برای تغییر وضعیت بیرونی خود، یعنی محیط اطرافشان، ممکن است درگیر رویارویی متمرکز بر مشکل شوند و برای کمک به جبران بار مالی که در حال حاضر با آن مواجه هستند، شیفت‌های بیشتری را در محل کار انتخاب کنند. برعکس، آن‌ها ممکن است با مکانیزم‌های دفاعی مانند شوخ‌طبعی، منطقی کردن، یا حتی انکار برای مدیریت وضعیت درونی خود، یعنی وضعیت روانی فعلی خود، درگیر شوند. درحالی‌که مکانیزم مقابله یک انتخاب آگاهانه است که فرد برای کمک به کاهش عاطفه منفی و افزایش حس کنترل بر موقعیت خود انجام می‌دهد، مکانیزم‌های دفاعی که استفاده می‌کنند ناخودآگاه هستند و ممکن است حول کنترل ادراک‌شده نباشند (Katt, 2022).

علاوه بر اعمال و قصد آگاهانه در مقابل ناخودآگاه، مکانیزم‌های دفاعی و مقابله‌ای از طریق گنجاندن ایده سازمان‌دهی سلسله مراتبی توسط کرامر (۱۹۹۸) متفاوت است. مکانیزم‌های دفاعی بارها و بارها به‌صورت سلسله مراتبی با توجه به عواملی مانند سن، بلوغ و پیچیدگی شناختی سازمان‌دهی می‌شوند. مکانیزم‌های مقابله تقریباً هرگز به‌گونه‌ای سازمان‌دهی نشده‌اند و در عوض ماهیت بیشتری دارند. درحالی‌که این تمایزات در سازمان مطلق نیستند، اما تغییری اساسی در درک تفاوت‌های بین این دو فرآیند را نشان می‌دهند. یکی دیگر از تفاوت‌های عمده بین دفاع و مکانیزم‌های مقابله‌ای که کرامر (۱۹۹۸) بیان کرد، در مفهوم فرآیندهای موضعی یا موقعیتی است. دفاع‌ها آماده هستند و تصور می‌شود که بدون توجه به عوامل خارجی در طول عمر ثابت و پایدار هستند. در مقایسه، مکانیزم‌های مقابله به موقعیت وابسته هستند. شواهدی وجود دارد که خلاف آن را نشان می‌دهد. تحقیقات بیشتری برای درک صحت چنین تقسیم‌بندی بین فرآیندهای موقعیتی و موقعیتی مورد نیاز است. کرامر (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که به احتمال زیاد برخی از دفاع‌ها به موقعیت وابسته هستند درحالی‌که برخی مکانیزم‌های مقابله‌ای ممکن است غیرمجاز باشند. ایده کلیدی که این منطقه خاکستری را هدایت می‌کند، تمایز بین تفاوت‌های فردی و نحوه محاسبه آن‌ها در تحقیقات است. پلوچیک و همکاران (۱۹۷۹) مشخص می‌کند که مکانیزم‌های دفاعی برای به حداقل رساندن احساسات آسیب‌زا مرتبط باحالت‌های اضطراب و ناراحتی استفاده می‌شود. برای حفظ عزت‌نفس و ایده‌های انسان در مورد جهان و خودش؛ اما اگر فردی نتواند برای حفظ

و کسانی که سطوح بالایی از استرس را تجربه می‌کنند، احتمالاً از مکانیزم‌های دفاعی نابالغ‌تری نسبت به کسانی که کمتر را تجربه می‌کنند، استفاده می‌کنند. استرس شدید یا بدون استرس (Zimmerman et al, 2019). سبک‌های دفاعی یا مکانیزم‌های دفاعی، راهبردهای مقابله‌ای در سطوح مختلف مقابله انطباقی هستند (Ziegler, 2016). سبک‌های دفاعی در فرآیندهای روان‌شناختی که به‌طور ناخودآگاه رخ می‌دهند به منظور کاهش پاسخ‌های هیجانی منفی ناشی از محرک‌های نامطلوب لنگر می‌یابند (Aouad et al, 2021). فروید استفاده از مکانیزم‌های دفاعی را مستقیماً با بیماری روانی مرتبط کرد و معتقد بود که هدف اصلی آن کمک به جلوگیری از تشخیص فردی تکانه‌های غیرقابل قبول یا ارضای آن‌ها به روشی قابل قبول اجتماعی است. محافظت از نفس در برابر یک تحریک با ریشه‌های مختلف. آنا فروید (۲۰۲۰) مکانیزم‌های ذهنی محافظ اصلی را شناسایی و مشخص کرد و نقش آن‌ها را در مبارزه با ایگو در برابر تلاش‌های تکانه‌های غریزی برای ورود به آگاهی تعریف کرد، بنابراین تأیید کرد که یک فرد سالم نیز به محافظت ذهنی نیاز دارد. متعاقباً، حفاظت روانی و مکانیزم‌های آن عمدتاً در روانکاوی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (تعداد قابل توجهی از مکانیزم‌های حفاظتی شناسایی شد، شرایط و توالی خاصی از رشد و وابستگی آن‌ها به تمایلات شخصی توصیف شد) تا زمانی که مشکل پاسخی در شناختی، روانشناسی اجتماعی و شخصیت‌شناسی، در زمینه نقش حمایت‌ها در حفظ ثبات عزت‌نفس انسان (Chuyko et al, 2022). فیبی کرامر (۲۰۰۸) نظریه‌ای از مکانیزم‌های دفاعی شامل هفت ستون ارائه کرده است. هفت ستون کرامر به شرح زیر است: عملکرد دفاعی خارج از آگاهی، گاه‌شماری توسعه دفاعی، دفاع‌های موجود در شخصیت عادی، افزایش استفاده از دفاع در شرایط استرس، کاهش عاطفه منفی با استفاده از دفاع، اتصال دفاع‌ها به سیستم عصبی خودمختار؛ و استفاده بیش از حد از دفاع‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی (Cramer, 2008). با استفاده از این ستون‌ها، او تعدادی از نکات کلیدی در مورد دفاع ارائه می‌دهد. کرامر استدلال می‌کند که مکانیزم‌های دفاعی ناخودآگاه هستند. همان‌طور که لخته شدن خون و سرفه‌های غیرارادی بدن برای محافظت از خود هستند، دفاع‌ها نیز راه محافظت ناخودآگاه ذهن از خود هستند. استفاده از مکانیزم‌های دفاعی به رشد شناختی بستگی دارد. وقتی افراد بالغ می‌شوند، توانایی بیشتری در استفاده از دفاع‌های پیچیده پیدا می‌کنند؛ بنابراین، دفاع‌های خاصی برای مراحل مختلف زندگی مناسب در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، از نظر رشدی مناسب است که یک کودک دوساله از دفاع انکار (یک مکانیزم دفاعی نابالغ) استفاده کند. هنگامی که یک فرد ۴۴ ساله به‌طور منظم از دفاع از انکار استفاده می‌کند، این نشانه عدم بلوغ روانی است (Cramer, 2008).

۲-۵- تفاوت مکانیزم‌های دفاع روان‌شناختی و مقابله‌ای

کرامر (۱۹۹۸) مکرراً استدلال کرده است که مکانیزم‌های دفاعی و مقابله‌ای را می‌توان متمایز کرد. درحالی‌که هر دو هدف مشترک کاهش پریشانی و/یا اضطراب درونی برای محافظت از فرد دارند، تفاوت‌های کلیدی وجود دارد: شروع آگاهانه در مقابل ناخودآگاه، تأثیرات درونی در مقابل خارجی، سازمان‌دهی سلسله مراتبی و شروع گرایشی در مقابل موقعیتی (Katt, 2022). برجسته‌ترین تفاوت در ایده خودآگاه در مقابل ناخودآگاه نهفته است. کرامر (۱۹۹۸) پیشنهاد می‌کند که مکانیزم‌های مقابله، اشکال فعال تعاملی هستند که فرد برای کاهش عواطف منفی انجام می‌دهد، درحالی‌که مکانیزم‌های دفاعی عمدتاً ناخودآگاه هستند و خارج از آگاهی فرد

که به‌طور هدفمند انتخاب شده بودند، تعداد مساوی از دانشجویان در هر دو جنس به‌طور تصادفی از هر دانشگاه انتخاب شدند. برای مطالعه از مقیاس‌های سازگاری اجتماعی و حمایت بین فردی استفاده شد... داده‌ها با استفاده از آزمون t و ضریب همبستگی کارل پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که دانش آموزان پسر سازگاری اجتماعی و حمایت بین فردی به‌طور قابل توجهی بهتر از هم‌تایان زن خود نشان داده‌اند. رنو و مونیکا (۲۰۲۱) پژوهشی با هدف، شناخت تفاوت‌های جنسیتی در سرسختی روان‌شناختی دانشجویان انجام دادند. نمونه کل شامل ۲۰۰ دانشجوی سال اول بود که از بین آن‌ها ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ دختر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری از مقیاس سرسختی روان‌شناختی سینگ (۲۰۰۸) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون t انجام شد. نتایج مطالعه نشان داد که تفاوت جنسیتی بر سرسختی روان‌شناختی در بین دانشجویان وجود دارد. سرسختی روان‌شناختی در بین دانشجویان پسر بالاتر از دانشجویان دختر است.

۵- فرضیه‌های تحقیق

۱. بین سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
۲. بین مکانیزم‌های دفاعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
۳. بین سرسختی روان‌شناختی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

۶- روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف بنیادی و از لحاظ روش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند. همچنین روش نمونه‌گیری به شیوه تصادفی از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. حجم نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دانشجوی زن و ۱۰۰ نفر دانشجوی مرد) می‌باشد. حجم نمونه با توجه به اینکه طرح پژوهشی علی مقایسه‌ای است، براساس منابع معتبر حداقل حجم نمونه در این پژوهش‌ها در هر گروه ۳۰ نفر برآورد کرده‌اند (دلاور، ۱۳۹۴) که در این تحقیق برای بالا بردن توان آماری و کم کردن خطاهای نمونه‌گیری و اندازه‌گیری حجم نمونه ۲۰۰ نفر (هر گروه ۱۰۰ نفر) در نظر گرفته شد. در این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه سبک‌های دفاعی آندرز، سینگ و بوند (۱۹۹۳)، پرسشنامه سرسختی روان‌شناختی لانگ و گولت (۲۰۰۳) و پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل (۱۹۶۱). جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی شامل تحلیل میانگین، میانه و آمار اسنباطی شامل آزمون تحلیل واریانس چندراهه و تی مستقل با استفاده از نرم افزار SPSS-26 بهره گرفته خواهد شد.

۷- یافته‌ها

یافته‌های پژوهش شامل دو بخش می‌باشد. در بخش اول، آمار توصیفی نشان داد: در دختران بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۲۳-۲۷ سال با تعداد ۳۸ نفر (۳۸ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به رده سنی ۴۳ سال و بالاتر با تعداد ۴ نفر (۴ درصد) و در پسران بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۲۳-۲۷ سال با تعداد ۳۶ نفر (۳۶ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به رده سنی ۴۳ سال و بالاتر با تعداد ۶ نفر (۶ درصد) می‌باشد. سطح تحصیلات دانشجویان نیز نشان داد که دختران ۴۷ درصد لیسانس و ۵۳ درصد فوق‌لیسانس و پسران ۴۴ درصد لیسانس و ۵۶ درصد فوق‌لیسانس بودند؛

سلامت روان خود بر اضطراب یا ترس غلبه کند، به تحریف واقعیت متوسل می‌شود (Chuyko et al, 2022).

۴- پیشینه تحقیق

عباداتی و عباداتی (۱۴۰۱) به بررسی رابطه بین طرحواره جنسیتی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های شهرستان جویم پرداختند. نتیجه تحلیل واریانس در ارتباط با سازگاری اجتماعی و نقش‌های جنسیتی نشان می‌دهد که این رابطه معنادار می‌باشد، همچنین نتایج تحلیل واریانس دوطرفه نشان داد که میزان سازگاری اجتماعی دو جنس در نقش‌های جنسیتی معنادار می‌باشد. نتیجه آزمون t مستقل برای بررسی میزان سازگاری اجتماعی در دانش آموزان دختر و پسر نشان داد که t به‌دست‌آمده برابر (۳/۳۵) معنی‌دار است و در کل پسران سازگارتر از دختران هستند. نتیجه آزمون χ^2 دو برای بررسی رابطه سازگاری اجتماعی با نقش‌های جنسیتی در دانش آموزان دختر نشان داد که χ^2 دو به‌دست‌آمده برابر با ۷ معنی‌دار نیست. نتیجه آزمون χ^2 دو برای بررسی رابطه سازگاری اجتماعی با نقش‌های جنسیتی دانش آموزان پسر نشان داد χ^2 دو به‌دست‌آمده برابر با ۱/۸۱ معنی‌دار نمی‌باشد. با توجه به آنچه که نتایج نشان داد، بین طرحواره جنسیتی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر و پسر رابطه وجود دارد. نصیری و همکاران (۱۳۹۹) به مقایسهٔ پرخاشگری و خشم رقابتی و سرسختی ذهنی زنان و مردان دوومیدانی کار نخبه ایرانی پرداختند. نتایج نشان داد، بین دوومیدانی کاران زن و مرد در نمره کلی سرسختی ذهنی و خرده مقیاس پایداری آن و نمره کلی خشم رقابتی و پرخاشگری و مؤلفهٔ خشم آن تفاوت معناداری وجود دارد و مردان سرسختی بالاتری دارند. در مقابل در مؤلفهٔ‌های اطمینان و کنترل از متغیر سرسختی ذهنی و خرده مقیاس پرخاشگری از متغیر خشم رقابتی و پرخاشگری، بین ورزشکاران زن و مرد تفاوت معناداری مشاهده نشد. فولادی و شهیدی (۱۳۹۹) به بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و امید به زندگی در پیش‌بینی سرسختی روان‌شناختی پرداختند و دریافتند: بین امید به زندگی، برون‌گرایی، سازش‌پذیری و باوجدان بودن با سرسختی رابطه مثبت معنی‌دار و بین روان‌رنجورخویی، پذیرا بودن نسبت به تجارب و سرسختی، رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. تحلیل رگرسیون نیز بیان داشت که متغیرهای امید به زندگی و از بین پنج عامل شخصیتی نئو برون‌گرایی، سازش‌پذیری و باوجدان بودن بالا و روان‌رنجورخویی و پذیرا بودن نسبت به تجارب پایین سرسختی روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین بین سرسختی روان‌شناختی دختران و پسران تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. چانگ و همکاران (۲۰۲۲) یک مدل تعدیل دوگانه را برای اثرات سرسختی بر اضطراب اجتماعی و نقش‌های تعدیل‌کننده جنسیت و حمایت اجتماعی ادراک‌شده را بررسی کردند. مقیاس سرسختی، مقیاس حمایت اجتماعی ادراک‌شده و خرده مقیاس اضطراب اجتماعی مقیاس خودآگاهی برای ۶۷۳ دانشجوی چینی ۱۸ تا ۲۳ ساله که توسط مقامات چینی به‌عنوان فقیر شناخته‌شده بودند اجرا شد و با بودجه تأمین شد. نتایج نشان داد که (۱) سرسختی تأثیر منفی معناداری بر اضطراب اجتماعی داشت، (۲) حمایت اجتماعی ادراک‌شده تأثیر سرسختی را بر اضطراب اجتماعی تعدیل کرد و (۳) جنسیت تأثیر سرسختی را بر اضطراب اجتماعی تعدیل کرد. کائور و شارما (۲۰۲۲) مطالعه‌ای به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی و رابطه بین سازگاری اجتماعی و حمایت بین فردی در بین دانشجویان دانشگاه پنجاب انجام دادند. نمونه شامل ۴۸۰ دانشجوی دانشگاه بود که به‌طور تصادفی از سه دانشگاه دولتی ایالت پنجاب

بین دوره‌ها آزمون تعقیبی بن فرونی انجام شد (جدول ۴). اما بین مکانیزم‌های دفاعی روان‌آزرده ($F(1,198)=198.1/28.8, P > 0.05$) دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود ندارد زیرا سطح معنی‌داری به دست آمده بیشتر از ۵ صدم می‌باشد.

جدول ۴ آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها بر روی نمرات مکانیزم‌های دفاعی

منابع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
	مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته	۱۹۱۹.۲۳	۱	۱۹۱۹.۲۳	۴.۹۴	۰.۰۲
گروه	مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته	۷۰۳.۱	۱	۷۰۳.۱۲	۹.۳۶	۰.۰۳
	مکانیزم‌های دفاعی روان-آزرده	۸۵.۸۰	۱	۸۵.۸۰	۱.۲۸	۰.۲۵
	مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته	۷۶۷۷.۵۹	۱۹۸	۳۸.۲۷		
خطا	مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته	۱۴۸۵۹.۴۳	۱۹۸	۷۵.۰۴		
	مکانیزم‌های دفاعی روان-آزرده	۱۳۳۷۶.۱۵	۱۹۸	۶۷.۰۵		
	مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته	۳۱۲۲۹۱۳.۰۷	۲۰۰			
کل	مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته	۳۲۵۰۱۱.۰۰	۲۰۰			
	مکانیزم‌های دفاعی روان-آزرده	۳۰۹۵۸۱.۰۰	۲۰۰			

جدول ۵ خلاصه نتایج آزمون تعقیبی بونفرنی

متغیر	گروه (I) - گروه (J)	تفاوت میانگین (I-J)	سطح معنی‌داری
مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته	دختر - پسر	-۶.۱۹	۰/۰۲
مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته	دختر - پسر	۳.۷۵	۰/۰۰۳

نتایج جدول (۴ و ۵) نشان می‌دهد بین دختران و پسران در مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته با اختلاف میانگین ۶/۱۹- و مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته با اختلاف میانگین ۳/۷۵ تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P > 0.05$). با توجه به میانگین‌ها دختران در مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته میانگین بالاتری نسبت به پسران دارند و در مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته، میانگین پایین‌تری نسبت به پسران دارند.

فرضیه سوم: بین سرسختی روان‌شناختی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

جدول ۶ نتایج آزمون باکس جهت بررسی فرض همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس

Sig	DF2	DF1	F	M BOX
۰/۰۳	۲۸۴۰۴۴/۰۷	۶	۲/۷۰	۱۶/۴۹

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون باکس نشان‌دهنده عدم همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس می‌باشد ($F=2/70, p < 0.05$)؛ بنابراین در خروجی آزمون تحلیل واریانس چند متغیری آماره‌های شاخص اثر پیلایی گزارش شده است:

جدول ۷ نتایج آزمون باکس جهت بررسی فرض همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس

منبع	ارزش	F	Df	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اندازه اثر
اثر پیلایی	۰.۶۸	۴.۷۳۶	۳.۰۰۰	۱۹۶.۰۰۰	۰.۰۳	۰.۶۸

بنابراین بیشتر افراد در دو گروه در مقطع تحصیلی فوق‌لیسانس بودند. بررسی وضعیت تأهل دانشجویان نشان داد که دختران ۵۲ درصد (۵۲ نفر) مجرد و ۴۸ درصد (۴۸ نفر) متأهل و پسران ۵۸ درصد (۵۸ نفر) مجرد و ۴۲ درصد (۴۲ نفر) متأهل بودند. لذا بیشتر افراد در دو گروه مجرد بودند. در بخش دوم، بررسی استنباطی پژوهش انجام شده است که در ادامه تشریح می‌شود:

فرضیه اول: بین سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

جدول ۱ آزمون تی مستقل برای مقایسه سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر

متغیر	گروه	میانگین	تفاوت میانگین	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
سازگاری اجتماعی	دختران	۱۲/۹۶	۱/۵۴	۲/۸۱	۱۹۸	۰/۰۰۵
	پسران	۱۱/۴۲				

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین نتیجه گرفته شد که بین دو گروه تفاوت از نظر سازگاری اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد و دانشجویان دختر سازگاری اجتماعی بالاتری را نسبت به پسران دارند.

فرضیه دوم: بین مکانیزم‌های دفاعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

جدول ۲ نتایج آزمون باکس جهت بررسی فرض همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس

Sig	DF2	DF1	F	M BOX
۰/۴۹	۲۸۴۰۴۴/۰۷	۶	۰/۸۹	۵/۴۶

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون باکس نشان‌دهنده همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس می‌باشد ($F=0.89, p > 0.05$) و ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته در بین گروه‌ها یکسان است. بنابراین در خروجی آزمون تحلیل واریانس چند متغیری آماره‌های شاخص لامبدای ویلکز گزارش شده است:

جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نمرات مکانیزم‌های دفاعی

منبع	ارزش	F	Df	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اندازه اثر
لامبدای ویلکز	۹۴.۰	۴.۱۷	۳.۰۰	۱۹۶.۰۰	۰.۰۷	۰.۶۰

در جدول (۳)، نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نمرات مکانیزم‌های دفاعی نشان داده شد. نتایج نشان می‌دهد که به‌طور کلی از لحاظ نمرات مکانیزم‌های دفاعی در دانشجویان دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد ($P < 0.05$) و بین دو گروه حداقل در یکی از مؤلفه‌های مکانیزم‌های دفاعی تفاوت معنادار وجود دارد. در ادامه به منظور مشخص نمودن تفاوت‌ها، نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها ارائه شد. همچنین با توجه به نتایج حاصل از جدول (۴) بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته ($F=9.36, P < 0.05$) و مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته ($F=198.1/28.8, P < 0.05$)، تفاوت معنادار وجود دارد ($P > 0.05$). به منظور معنی‌داری تفاوت

تفاوت معناداری وجود دارد. خداحمی و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان دادند که میانگین نمرات سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر بیشتر از میانگین نمرات سازگاری اجتماعی دانشجویان پسر است؛ اما غیرهمسو با پژوهش‌های کانور و شارما (۲۰۲۲) و عباداتی و عباداتی (۱۴۰۱) که نشان دادند پسران سازگارتر از دختران هستند. در تبیین یافته‌های این بخش پژوهش می‌توان به نظریه نقش اجتماعی اشاره نمود؛ که براساس آن اگرچه ممکن است سازگاری فردی و اجتماعی ریشه بیولوژیکی داشته باشد ولی تجربیات شخصی از عوامل ارثی و بیولوژیکی بااهمیت‌تر است که در این میان فرایند اجتماعی شدن، خانواده و مدرسه دختران را به جهات متفاوتی سوق می‌دهند، از طرفی پرخاشگری پسران بیش از دختران قابل گذشت است و از پسران انتظار می‌رود کنش‌های خود را از راه‌های فیزیکی تخلیه کنند. از سوی دیگر زمینه رفتار ناسازگار برای پسران هموارتر است. کنترل نکردن کافی بر پسران از طرف خانواده باعث افزایش رفتارهای ناسازگار در آن‌ها می‌گردد. درحالی‌که دختران تحت کنترل شدید خانواده و جامعه قرار داشته و زمینه رفتار ناسازگار برای آن‌ها محدود است. در نتیجه، شیوه‌های تربیتی والدین یا نگرش خاص آن‌ها در این مورد نیز می‌تواند نتایج کاملاً متفاوتی بر پسران و دختران شدید برای رفتار پرخاشگرانه منجر به داشته باشد. نتیجه نسبتاً واپس‌زنی پرخاشگری در دختران می‌شود؛ اما پرخاشگری پسران را افزایش می‌دهد (قرتبه و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین این نتایج تا حدی منعکس‌کننده مفهوم ادراک روی است که توضیح می‌دهد که تنظیم نقش و عملکرد فرد یک پاسخ واکنشی فرد به یک محرک برای دستیابی به "یکپارچگی اجتماعی" است. این مکانیزم سازگاری اجتماعی است که بر نقش‌ها و موقعیت‌های افراد نسبت به افراد دیگر تأکید می‌کند، به‌وسیله آن افراد باید آن‌طور که جامعه از آن‌ها انتظار می‌رود به‌طور مناسب با نقش‌های خود سازگار شوند و در ظاهر این را در قالب رفتار ابزاری که رفتاری است که افراد نشان می‌دهند، بیان کنند. در انجام وظایفی که جامعه تعیین می‌کند و نیز رفتار بیانی که رفتاری است که افراد بر اساس احساسات یا نگرش‌ها، علائق یا ناخوشایند‌های خود نسبت به نقشی که به آن‌ها داده شده است، ابراز می‌کنند. این نقش‌ها از نظر موضوعی به سه سطح تقسیم می‌شوند: نقش اصلی، نقشی است که بر اساس سن، جنسیت و سطح رشد تعیین می‌شود. این نقش ممکن است رفتار مناسب را برای افراد در یک سن خاص مانند کودکان، نوجوانان، بزرگسالان و سالمندان تعیین کند. نقش‌های ثانویه نقش‌هایی هستند که بر رفتارها در موقعیت‌های مختلف مرتبط با شغل و نقش‌های اولیه تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان مثال می‌توان به نقش‌های خانوادگی مانند پدر، مادر، شوهر، همسر اشاره کرد. نقش‌های حرفه‌ای مانند معلم و پرستار. علاوه بر این، نقش‌های سومی وجود دارند که نقش‌های موقتی هستند که به‌عنوان مثال، عضویت در انجمن‌ها، باشگاه‌ها، یا سازمان‌ها یا به‌عنوان مثال بیمار بودن را به دست می‌آوریم. همچنین، در زمینه‌ایجاد روابط بین فردی سالم با دیگران، دختران بیش از دانش‌آموزان پسر از کار گروهی لذت می‌برند که ممکن است ناشی از هنجارهای اجتماعی فعلی در شیوه‌های فرزندپروری باشد که با هنجارهای قبلی در آزادی بیشتر زنان در زمینه‌های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، هنجارهای فعلی به زنان اجازه می‌دهد از بسیاری جهات حقوق برابر با مردان داشته باشند و در نتیجه دانشجویان دختر با رهایی از فشارها و ناامیدی از اطرافیان خود، اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند. علاوه بر این، زنان ذاتاً می‌توانند به همان اندازه رهبران بزرگ و همچنین پیروان باشند، زیرا در مقایسه با مردانی که ترجیح می‌دهند رهبر

در جدول (۷)، نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نمرات سرسختی روان‌شناختی نشان داده شد. نتایج نشان می‌دهد که به‌طور کلی از لحاظ نمرات سرسختی روان‌شناختی در دانشجویان دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد ($P > 0/05$) و بین دو گروه حداقل در یکی از مؤلفه‌های سرسختی روان‌شناختی تفاوت معنادار وجود دارد. در ادامه به منظور مشخص نمودن تفاوت‌ها، نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها ارائه شد:

جدول ۸ نتایج آزمون باکس جهت بررسی پیش‌فرض همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس

منابع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
گروه	کنترل	۳۲۲.۵۸	۱	۳۲۲.۵۸	۵.۸۲	۰.۱
	تعهد	۲۴۴.۲۰	۱	۲۴۴.۲۰	۷.۷۹	۰.۰۶
	چالش‌جویی	۱۶۰.۲۰	۱	۱۶۰.۲۰	۴.۳۰	۰.۳
خطا	کنترل	۱۰۹۵۸.۰۴	۱۹۸	۵۵.۳۴		
	تعهد	۶۲۰۵.۶۷	۱۹۸	۳۱.۳۴		
	چالش‌جویی	۷۳۷۲.۶۷	۱۹۸	۳۷.۲۳		
کل	کنترل	۶۰۸۱۶۸.۰۰	۲۰۰			
	تعهد	۴۶۱۰۳۱.۰۰	۲۰۰			
	چالش‌جویی	۲۸۱۷۰۳.۰۰	۲۰۰			

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۸) بین زنان و مردان از لحاظ مؤلفه‌های سرسختی روان‌شناختی شامل کنترل ($F(1, 198) = 5/82, P > 0/05$)، تعهد ($F(1, 198) = 7/79, P > 0/05$) و چالش‌جویی ($F(1, 198) = 4/30, P < 0/05$) تفاوت معنادار وجود دارد ($P > 0/05$)؛ بنابراین بین نمرات سرسختی روان‌شناختی (کنترل، تعهد و چالش‌جویی) دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به منظور بررسی معنی‌داری تفاوت بین دوره‌ها آزمون تعقیبی بن فرونی انجام شد (جدول ۹).

جدول ۹ خلاصه نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی

متغیر	گروه (I) - گروه (J)	تفاوت میانگین (I-J)	سطح معنی‌داری
کنترل	دختر - پسر	-۲.۵۴	۰/۰۱
تعهد	دختر - پسر	-۲.۲۱	۰/۰۰۶
چالش‌جویی	دختر - پسر	-۱.۷۹	۰/۰۳

نتایج جدول (۹) نشان داد بین دختران و پسران در کنترل با اختلاف میانگین $-۲/۵۴$ ، تعهد با اختلاف میانگین $-۲/۲۱$ و چالش‌جویی با اختلاف میانگین $-۱/۷۹$ تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P > 0/05$) با توجه به میانگین‌ها پسران در سرسختی روان‌شناختی میانگین بالاتری نسبت به دختران دارند.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

یافته‌های حاصل از فرضیه‌ی اول پژوهش بیانگر آن بود که بین سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد و دانشجویان دختر سازگاری اجتماعی بالاتری نسبت به پسران دارند. این یافته همسو با پژوهش‌های روان‌گینگ (۲۰۲۲)، ابراهیم‌پور و عالی‌شاهی (۱۳۹۶) می‌باشد؛ که بیانگر آن بود که بین دانشجویان دختر و پسر از نظر سازگاری اجتماعی

وجود ندارد. درنهایت دیپلو همکاران (۲۰۱۴)، با بررسی تأثیر جنسیت نشان داد که مردان و زنان در استفاده از چندین مکانیزم مقابله و دفاع متفاوت هستند. همچنین این یافته پژوهش غیرهمسو با پژوهش پولادی ریشپری و گلستانه (۱۴۰۰) که نشان دادند بین نوجوانان دختر و پسر از نظر مکانیزم های دفاعی مورد مطالعه تفاوت معناداری وجود ندارد. مطالعات نشان می‌دهد که در مقایسه با زنان، افرادی که به‌عنوان مرد شناخته می‌شوند، سبک‌های دفاعی را نشان می‌دهند که به‌طور قابل‌توجهی کمتر بالغ، آسیب‌شناسانه‌تر و بیشتر احتمال دارد که واقعیت مبهم باشد. اگرچه مطالعات به‌ندرت زمینه‌ای را برای کمک به توضیح این تغییرات در سبک های دفاعی ارائه کرده‌اند، این یافته‌ها با اصول جامعه‌شناختی اجتماعی شدن جنسیت نسبتاً سازگار است که ادعا می‌کند جامعه انتظارات، تفسیر و تقویت نگرش‌ها و رفتارهای متفاوت را بر اساس مفهوم جنسیت دارد. مشخص شده است که والدین، دختران را ضعیف‌تر و ظریف‌تر از پسران می‌دانند، درحالی‌که دختران را تشویق می‌کنند تا در بازی‌هایی که نقش‌های خانگی را تقلید می‌کند، مانند بازی در خانه یا با عروسک‌ها، شرکت کنند. علاوه بر این، والدین تمایل دارند دختران را در بحث‌های بیشتری در مورد احساسات و روابط بین فردی در مقایسه با پسران درگیر کنند در مقابل، والدین بیشتر احتمال دارد که پسران را به خاطر نشان دادن استحکام، قدرت بدنی و استقلال آن‌ها تحسین کنند. علاوه بر این، از پسران انتظار می‌رود که خودمختارتر باشند و از اسباب‌بازی‌هایی برخوردار باشند که حس تسلط فیزیکی را تقویت می‌کند، مانند کامیون‌ها یا تجهیزات ورزشی. اگرچه این الگوی اجتماعی شدن جنسیتی ممکن است پیچیده‌تر شود، به‌ویژه زمانی که کودکان در رشد خود احساس عاملیت بیشتری پیدا می‌کنند، بسیاری از عناصر بنیادی جامعه به ترویج شکل جنسیتی از جامعه‌پذیری ادامه می‌دهند. به‌عنوان مثال، در مقایسه با سبک‌های دفاعی بیرونی مردان، زنان تمایل دارند از سبک دفاعی چرخش علیه خود استفاده کنند. برخلاف بیان بیرونی ناراحتی، مشخص شده است که زنان احساسات پرخاشگری را به درون خود می‌چرخانند و تأمل و همدلی بیشتری در راهبردهای مقابله‌ای و دفاعی خود نشان می‌دهند عواقب ناشی از نقض هنجارهای جنسیتی، علاوه بر ستایش برای برآورده کردن انتظارات جنسیتی، می‌تواند رفتارها و نگرش‌های فرد را شکل دهد. برای مثال، با توجه به اینکه زنان همیشه نمی‌توانند خشم یا پرخاشگری خود را با خیال راحت ابراز کنند، ممکن است به سمت سبک‌های دفاعی درونی‌تر که اغلب به سطح خاصی از کنترل بازدارنده نیاز دارند، گرایش پیدا کنند. از نظر تاریخی، مردان برای نشان دادن مردانگی خود از طریق قدرت و پرخاشگری پاداش دریافت کرده‌اند، تمایل دارند در هنگام ابراز بیرونی سایر اشکال احساسات که با عدم‌تأیید بیشتری مواجه شوند همچنین ارتباط بین هنجارهای جنسیتی و سبک‌های دفاعی بیانگر آن است که مردان کمتر از مکانیزم‌های دفاعی بالغ استفاده می‌کنند. همچنین زنان معمولاً به‌طور درونی به محیط اطراف خود پاسخ می‌دهند، درحالی‌که مردان بیرونی سازی را به‌عنوان یک مکانیزم دفاعی ناخودآگاه به کار می‌گیرند. کرامر (۲۰۰۲) چنین تفاوتی را به فرآیند اجتماعی شدن نسبت می‌دهد، جایی که زنانگی به معنای رضایت‌بخش بودن است، بنابراین از واکنش‌های تهاجمی بیرونی اجتناب می‌کند، درحالی‌که رفتارهای خصمانه نشان‌داده‌شده توسط مردان کاملاً از نظر اجتماعی قابل قبول است. از این رو، استفاده از مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته در میان زنان و مکانیزم‌های دفاعی رشد نیافته در میان مردان بیشتر است.

باشند، توانایی بیشتری برای تطبیق با افراد و شرایط دارند (Ruangying et al, 2022).

علاوه بر این، وگ (۱۹۹۴)، فلدمن (۱۹۹۹) و هالگین و ویتبورن (۲۰۰۰) معتقد بودند که هیچ فردی بالاتر از آنچه فرهنگ یا گروه قومی برای یک فرد تعیین کرده است، زندگی نخواهد کرد؛ بنابراین، یافته‌ها این مفهوم را تأیید می‌کنند که اطلاعاتی که افراد از هنجارهای فرهنگی خود به دست می‌آورند، آن‌ها را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر با محیط خود سازگار شوند. از این نظر، سازگاری اجتماعی دانشجویان بستگی به این دارد که گروه قومی یا فرهنگ چه ارزش‌هایی را برای فرد در حال رشد تعیین کرده است. این نتایج، همراه با این ادعا که جنسیت یکی از عوامل فردی است که می‌تواند تفاوت‌ها را در سازگاری روانی اجتماعی پیش‌بینی کند، سازگار است. تفاوت‌های جنسیتی زمینه‌های بالقوه جدیدی از تحقیق را نشان می‌دهد، زیرا هنوز توافق روشنی در مورد ارتباط بین روابط جنسی خاص و سازگاری روانی-اجتماعی وجود ندارد. به‌طور کلی، دختران آموزش‌های متمرکز بر احساسات دریافت می‌کنند، درحالی‌که به پسران آموزش داده می‌شود که برخی از احساسات را کاهش دهند. از نظر استونز (۱۹۹۴) زندگی دانشگاهی در کل برای دختران شادی‌بخش و رضایت‌بخش‌تر از پسران بوده و آن‌ها بهتر با شرایط و الزامات دانشگاه کنار می‌آیند. یافته‌های سایر مطالعات مشابه نیز نشان داد که اساساً زنان قدرت بیشتری برای هماهنگ شدن با محیط‌های جدید دارند و در ورود و تطابق با بافت‌های متفاوت کمتر از مردان با مشکل مواجه می‌شوند. در حقیقت، جنسیت عامل مؤثری در سازگاری بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن دارد. در تبیین این امر شاید بتوان به متغیر سبک‌های دفاعی رجوع کرد افراد دارای مکانیزم دفاعی رشد یافته-تر هستند و از نظر سلامت روان‌شناختی و سازگاری در سطح بهتری قرار دارند. به همین سبب از آنجایی که دختران بیشتر دارای مکانیزم دفاعی رشدیافته‌تر هستند سازگاری بسنده‌تری دارند

فرضیه دوم: بین مکانیزم‌های دفاعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

یافته‌های حاصل از فرضیه‌ی دوم پژوهش بیانگر آن بود که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ مکانیزم‌های دفاعی رشد نیافته و رشد یافته تفاوت معنادار وجود دارد و با توجه به میانگین‌ها دختران در مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته میانگین بالاتر و در مکانیزم‌های دفاعی رشد نیافته، میانگین پایین‌تری نسبت به پسران دارند؛ اما بین مکانیزم‌های دفاعی روان‌آزرده دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته همسو با پژوهش‌های صاحب و کاکابرابی (۱۳۹۷) که نشان دادند بین دو گروه از نظر مکانیزم دفاعی بین دو گروه به لحاظ واپس‌رانی، همانندسازی، دلیل‌تراشی و جابه‌جایی تفاوت معناداری دارد. فوتو اوزدمیر و همکاران (۲۰۱۶) با ارزیابی نمرات مکانیزم‌های دفاعی نشان داد که نمره خرده مقیاس جابه‌جایی در پسران به‌طور معنی‌داری بیشتر از دختران است و وادولیا (۲۰۱۸) نشان داد که مردان میانگین بالاتری در مکانیزم دفاعی فرافکنی دارند. در پژوهش دیگری نی-زاده و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که مردان بیشتر از زنان از سبک های دفاعی رشد نیافته و روان آزرده استفاده می‌کنند ولی در استفاده از سبک دفاعی رشد یافته بین زنان و مردان تفاوت وجود نداشت. مهری‌نژاد و شریفی (۱۳۹۶) نشان دادند که میانگین نمره‌های دختران در مکانیزم‌های دفاعی سازگاران (پخته) و میانگین نمره‌های پسران در مکانیزم‌های دفاعی ناسازگاران (روان‌آزرده) بیشتر است اما تفاوت معناداری بین میانگین نمره‌های پسران و دختران در بعد دیگری از مکانیزم‌های دفاعی ناسازگاران یعنی مکانیزم‌های دفاعی ناپخته

فرضیه سوم: بین سرسختی روان‌شناختی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

یافته‌های حاصل از فرضیه سوم پژوهش بیانگر آن بود که بین سرسختی روان‌شناختی دانشجویان (کنترل، تعهد و چالش‌جویی) دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد و با توجه به میانگین‌ها پسران سرسختی روان‌شناختی بالاتری نسبت به دختران دارند. این یافته همسو با پژوهش‌های رنو و مونیکا (۲۰۲۱). نصیری و همکاران (۱۳۹۹)، دسای (۲۰۱۷) کاتور (۲۰۱۷) می‌باشد که بیانگر این بود که بین میانگین نمرات نوجوانان پسر و دختر در متغیر سرسختی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود دارد و پسران سرسختی روان‌شناختی بالاتری دارند. چانگ و همکاران (۲۰۲۲) نیز یک مدل تعدیل دوگانه را برای اثرات سرسختی بر اضطراب اجتماعی و نقش‌های تعدیل‌کننده جنسیت و حمایت اجتماعی ادراک‌شده را بررسی کردند و نشان دادند که جنسیت تأثیر سرسختی را بر اضطراب اجتماعی تعدیل کرد. از طرف یافته این پژوهش غیرهمسو با پژوهش‌های توماسون و همکاران (۲۰۲۲) فولادی و شهیدی (۱۳۹۹)، الهام پور و همکاران (۱۳۹۸) می‌باشد که بین سرسختی روان‌شناختی دختران و پسران تفاوت معنی‌داری مشاهده نکردند. مودا و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی سرسختی بر اساس جنسیت پرداختند. گزارش داد که زنان نسبت به مردان سطوح سرسختی بالاتری داشتند که غیرهمسو با پژوهش حاضر می‌باشد. در تبیین این یافته باید گفت که پسران بیشتر به‌وسیله شغلشان، رضایت اقتصادی و ... تحت تأثیر قرار می‌گیرند. زنان بیشتر به‌وسیله فرزندان، سلامتی خانواده‌شان و ... تحت تأثیر قرار می‌گیرند؛ البته پژوهش‌ها نشان داده که مردان از سرسختی روان‌شناختی بیشتری نسبت به دختران برخوردارند. شاید به دلیل مسائل فیزیولوژیک و وجود هورمون‌های مردانه تا حدود زیادی مبارزه‌جویی، رویارویی با رویدادهای منفی، کنترل خود در مواقع استرس‌زا در مردان بیشتر است و عامل مهم دیگر که به نظر می‌رسد ایجادکننده سرسختی در مردان باشد، فرهنگ جامعه است؛ شاید به این دلیل در جامعه ما پسران از آزادی عمل بیشتری برخوردارند و جامعه فرصت‌های اجتماعی را برای آن‌ها فراهم می‌سازد تا زمینه سرسختی بیشتری داشته باشند، ولی در مورد دختران، جامعه انتظار دارد که هنجارهای تعیین‌شده و نقش‌های سنتی گروه خویش را تا آنجا که امکان دارد، رعایت کنند ولو این‌که استعدادها سرشاری در زمینه‌های خارج از حیطه داشته باشند و این امر باعث شده که دختران توانایی‌های خود را کم‌تر از آنچه که هست، ارزیابی نمایند در نتیجه کمتر از پسران سرسختی روان‌شناختی از خود نشان می‌دهند. همچنین تبیین‌های سنتی‌تر ارزش‌های جنسیتی با رویکردی ذات‌گرایانه تعریف مشخص و ثابتی را از رفتارها و صفات وابسته به جنس ارائه نموده‌اند به‌طوری‌که در سایه این نگاه ویژگی‌هایی چون وابستگی عاطفی هیجان‌مداری مواجهه منفعلانه با مسائل و چالش‌ها زندگی واکنش‌های اضطرابی حس‌کارایی شخصی و عزت‌نفس پائین با نقش‌های زنانگی بیشترین همسویی را دارد در مقابل استقلال قدرت تصمیم‌گیری اقتدار، مسئله‌مداری و مواجهه فعالانه و کاراً با مسائل و چالش‌های زندگی حس‌بالای کارایی شخصی و عزت‌نفس از جمله ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی است که با نقش‌های مردانگی همبستگی و همسویی بالایی نشان می‌دهد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد باور فرد نسبت به قابلیت‌های خود در حل مسائل و چالش‌ها و تلاش متعهدانه جهت کنترل و مدیریت رخدادها از ویژگی‌های مشترک خودکارآمدی عمومی و سرسختی روان‌شناختی باشد که می‌تواند به لحاظ نظری ارتباط بیشتری با نقش‌های جنسیتی مردانگی داشته باشد. از

دیدگاه اجتماعی-سازنده و فمینیستی، ریسکا (۲۰۰۲) این ساختار را صرفاً راهی برای تأیید و مشروعیت بخشیدن به مردانگی سنتی مورد انتقاد قرار داده است. از نظر ریسکا، سرسختی محصول جو سیاسی-اجتماعی است که بازتاب ارزش‌های سنتی، طبقه متوسط و مردانه رایج در آن زمان است. او مردی را توصیف می‌کند که ساختار ایدئولوژیک مردانگی سنتی رایج را به تصویر می‌کشد، در این گذار، سرسختی کلیدی برای ارزیابی مجدد ویژگی‌های اصلی مردانگی سنتی شد. چندین توضیح برای توضیح تفاوت‌های جنسیتی ارائه شده است. پیشنهاد شده است که راهبردهای مقابله‌ای که معمولاً توسط پسران و دختران به کار می‌رود می‌تواند برخی از تفاوت‌های مشاهده‌شده را توضیح دهد. به‌طور دقیق‌تر، پسران به‌طور کلیشه‌ای با استفاده از راهبردهای مشکل‌مدار با استرس کنار می‌آیند، درحالی‌که اعتقاد بر این است که دختران تا حد زیادی از راهبردهای اجتنابی استفاده می‌کنند. علاوه بر این، اعتقاد بر این است که پسران و دختران معمولاً در مورد نحوه ارزیابی یک عامل استرس‌زا و در مورد آنچه که آن‌ها را استرس‌زا می‌دانند، متفاوت هستند. در مجموع، استدلال این است که در مقایسه با پسران سرسخت، دختران به همان اندازه سرسخت از راهبردهای مقابله‌ای شناختی و رفتاری سودمند کمتری استفاده می‌کنند.

آدام و همکاران (۲۰۰۹) علت تفاوت بین سرسختی ذهنی دختران و پسران را به فرآیندهای اجتماعی شدن و فراگیری نقش جنسیتی افراد نسبت دادند. ویژگی‌های اساسی جنسیت که از زن و مرد مورد انتظار است در اوایل زندگی و در محیط خانواده فراگرفته می‌شود و سپس در محیط‌های مدرسه، گروه‌های همسالان و از طریق رسانه‌ها و سایر عوامل جامعه‌پذیری، تقویت می‌گردد. همچنین سرسختی روان‌شناختی به‌عنوان توانایی مقابله مؤثر و کارآمد با چالش‌ها و استرس‌های زندگی از طریق به‌کارگیری راهبردهای مسئله‌مدار و تحت کنترل درآوردن آن‌ها می‌تواند با ویژگی‌ها و صفاتی که به‌طور کلیشه‌ای و سنتی از نقش‌های مردانه انتظار می‌رود همسویی داشته باشد به‌گونه‌ای که حتی برخی از پژوهشگران (برای مثال، شیرد و کاشانی، ۱۹۹۱؛ بنیشک و لویز، ۱۹۹۷ و کلاگ و بردلی ۲۰۰۴ به نقل از هاشمی و احمدی، ۱۳۹۴) معتقدند، به‌واسطه همسویی مؤلفه‌های سرسختی روان‌شناختی با شیوه‌های مقابله مردان به نظر می‌رسد این سازه بیشتر با نقش‌های مردانه در ارتباط باشد تا نقش‌ها و شیوه‌های مقابله‌ای که به‌طور کلیشه‌ای زنانه تعریف شده‌اند به‌طوری‌که مردان سرسخت از راهبردهای مقابله شناختی و رفتاری کارآمدتری چون حل مسئله استفاده می‌کنند، درحالی‌که زنان بیشتر در جهت استفاده از راهبردهای اجتنابی می‌باشند.

۹- مراجع

- [18] Cheng, X. & Liu, J. & Li, J. & Hu, Z. (2022). Relationship Between Hardiness and Social Anxiety in Chinese Impoverished College Students During the COVID-19 Pandemic: Moderation by Perceived Social Support and Gender. *Frontiers in psychology*. 4141.
- [19] Chuyko, H. & Koltunovych, T. & Chaplak, Y. & Komisaryk, M. (2022). Students' Defense Mechanisms and Coping Strategies in Terms of COVID-19 Pandemic. *Revista Romaneasca pentru Educatie Multidimensionala*. 14(1). 115-138.
- [20] Cordier R. & Speyer R. & Chen, YW. & Wilkes-Gillan, S. & Brown, T. & Bourke-Taylor, H. (2015). Evaluating the Psychometric Quality of Social Skills Measures: A Systematic Review. *PLoS One*; 10(7). e0132299.
- [21] Cramer, P. (2008). Seven pillars of defense mechanism theory. *Social and Personality Psychology Compass*, 2(5). 1963-1981
- [22] Cramer, P. (2017). Using the TAT to assess the relation between gender identity and the use of defense mechanisms. *Journal of Personality Assessment*. 99(3). 265-274.
- [23] D'Silva, J. & Aminabhavi, V. A. (2013). Adjustment, self-efficacy and psychosocial competencies of drug addicted adolescents. *Journal of Psychology*. 4(1). 13-18.
- [24] Delahaj, R. & Gaillard, A. W. & van Dam, K. (2010). Hardiness and the response to stressful situations: Investigating mediating processes. *Personality and Individual Differences*. 49(5). 386-390.
- [25] Green, S. & Grant, A. M. & Rynsaardt, J. (2020). Evidence-based life coaching for senior high school students: building hardiness and hope. in *Coaching Researched: A Coaching Psychology Reader*, eds J. Passmore and D. Tee (Hoboken, NJ: John Wiley & Sons). 257-268.
- [26] Ivana, N. & Laksono, A. (2022). The Portrayal of Sutter Keely's Defense Mechanism During Adolescence In the Spectacular Now. *Culturalistics: Journal of Cultural, Literary, and Linguistic Studies*. 6(2). 68-74.
- [27] Katt, E. (2022). Adaptation to COVID-19: Through the Lens of Coping and Defense Mechanisms (Doctoral dissertation).
- [28] Kaur, R. & Sharma, S. (2022). Gender Differences in Social Adjustment and Interpersonal Support among Undergraduate Students. *International Journal of Bio-Resource & Stress Management*. 13(1).
- [29] Kobasa S. C. (1979). Stressful life events, personality, and health: an inquiry into hardiness. *J. Pers. Soc. Psychol.* 37. 1-11.
- [30] Kobasa, SC. & Maddi, SR. & Zola, MA. (2014). Personality and social resources in stress resistance. Type a and hardiness. *J Beh Med*. 45(2). 41-51.
- [31] Kobasa SC. (2014). Stressful life events, personality, and health: An inquiry into hardiness. *J Pers Social Psychol*. 37(1). 1-11.
- [32] Liu, J. & Cheng, X. & Li, J. (2022). Relationship Between Hardiness and the Mental Health of Funded Chinese College Students: The Mediating Role of Social Support and the Moderating Role of an Only-Child Status. *Frontiers in Psychology*. 13. 842278- 842278.
- [33] Luceño-Moreno L. & Talavera-Velasco, B. & Jaén-Díaz, M. & Martín-García, J. (2020). Hardy personality assessment: validating the occupational hardiness questionnaire in police officers. *Prof. Psychol. Res. Pract*. 51,297
- [34] Mund, P. (2017). Hardiness and culture: a study with reference to 3 Cs of Kobasa. *Int. Res. J. Manag. IT Soc. Sci.* 4, 152-159.
- [35] Nicolas, M. & Martinent, G. & Drapeau, M. & Chahraoui, K. & Vacher, P. & De Roten, Y. (2017). Defense profiles in adaptation process to sport competition and their relationships with coping, stress and control. *Frontiers in psychology*. 8. 2222.
- [36] Penco, D. (2022). OVERALL OVERVIEW OF DEFENSE MECHANISMS. Presented to the Department of Psychology program at Selinus University Faculty of Psychology in fulfillment of the requirements for the degree of Bachelor of Science in Psychotherapy.
- [37] Perry J. C. & Metzger J. & Sigal J. J. (2015). Defensive functioning among women with breast cancer and matched community controls. *Psychiatry* 78. 156-169.
- [38] Ray, CE. & Elliott, SN. (2019). Social Adjustment and Academic Achievement: A Predictive Model for Students with Diverse Academic and Behavior Competencies. *Sch Psychol Rev*. 35(3). 493-501.
- [39] Renu Verma, M. (2021). To study the Psychological Hardiness among male and female college students. *The Educational Beacon: A Peer Reviewed Refereed Research Journal e- 2582-3515. p-ISSN 2249-4154. Vol. 10, 10*.
- [40] Rogers K. B. (2015). The academic, socialization, and psychological effects of acceleration: Research synthesis. In Assouline S. G., Colangelo N., VanTassel-Baska J., Lupkowski-Shopluk A. (Eds.), *A nation empowered: Evidence trumps the excuses holding back America's brightest students* (Vol. 2, pp. 19-29). University of Iowa.
- [41] Ruangying, J. (2022). Antecedents and Consequences of Social Adjustment of Undergraduate Students in Thailand: A Meta-Analysis Study. *Asia Social Issues*. 15(1).
- [42] Sadeghi, A. & Einaky, S. (2020). Relationship between psychological hardiness and resilience with mental health in athlete students in the Guilan unit of university of applied science and technology. *Socil. Mind*. 11. 10-24.
- [1] ابراهیم پور، قدسیه، عالی‌شاهی، مریم، (۱۳۹۶)، مقایسه سرسختی روان‌شناختی، سازگاری اجتماعی و راهبردهای مقابله با استرس در دانشجویان گرایش‌های مختلف روانشناسی، کنگره بین‌المللی دستاوردهای جهانی علوم اجتماعی، روانشناسی و علوم تربیتی، تهران.
- [۲] بهادری خسروشاهی، جعفر، حبیبی کلیر، رامین، (۱۳۹۶)، تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر انگیزش تحصیلی و سازگاری تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه، آموزش و ارزیابی، ۱۰ (۳۹)، ۱۵۱-۱۷۳.
- [۳] حقیقی، ماه منیر؛ یاوریان، رویا؛ معروفی، دیاکو، سهرابی، فریبا، (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین سلامت روان و مکانیسم‌های دفاعی در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۱۷ (۲)، ۱۱۱-۱۱۹.
- [۴] حیدری‌راد، حدیث، علمردانی صومعه، سجاده، اسمعیلی، منیژه، (۱۳۹۶)، مقایسه ی کیفیت خواب، شیوه‌های حل مسئله و سرسختی روان‌شناختی در دانشجویان، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۸ (۳۰)، ۲۴۱-۲۶۰.
- [۵] خدارحمی، سمیه؛ علوی، مهتاب، عزتی، سجاده، (۱۳۹۴)، مقایسه سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور شهرستان دره شهر، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶ (۲۰)، ۸۹-۱۰۹.
- [۶] زکی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، سازگاری جوانان با دانشگاه و رابطه آن با حمایت اجتماعی؛ بررسی موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان، دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۴ (۴)، ۱۰۷-۱۳۰.
- [۷] طالب زاده شوشتری، مرضیه، (۱۳۹۸)، رابطه استرس ادراک‌شده، سخت‌رویی و شادکامی با میزان سازگاری اجتماعی در دانشجویان زن دانشگاه پیام نور، نشریه علمی روانشناسی اجتماعی، ۶ (۵۰)، ۸۳-۹۴.
- [۸] عباداتی، لیلیا؛ عباداتی، نرجس، (۱۴۰۱)، بررسی رابطه طحوراره جنسیتی و سازگاری اجتماعی نوجوانان، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۱۳ (۵۰)، ۱-۱۲.
- [۹] عباسی رستمی، نجیبه، رشیدی، پریسا، (۱۳۹۹)، بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی با سازگاری اجتماعی دانشجویان، فصلنامه دانش انتظامی پلیس استان مرکزی، ۱۰ (۱)، ۱۲۲-۱۳۹.
- [۱۰] فولادی، نگار، شهیدی، عنایت‌اله، (۱۳۹۹)، نقش ویژگی‌های شخصیتی و امید به زندگی در پیش‌بینی سرسختی روان‌شناختی در بین دانشجویان با توجه به جنسیت، روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۵ (۱)، ۹۳-۱۰۱.
- [۱۱] کاظمی رضایی، سیدعلی؛ شاهقلیان، مهناز؛ کاظمی رضایی، سیدولی، کربلایی اسماعیل، انسیه، (۱۳۹۷)، رابطه مکانیزم‌های دفاعی و تصور از خود در دانشجویان: مدل‌سازی معادلات ساختاری، فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۱۲ (۱)، ۶۷-۷۶.
- [۱۲] ملک‌پور، ندا؛ سلیمانی، مهسا؛ طالبی، غلامرضا، قاسم‌زاده، عزیزرضا، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه سرسختی روان‌شناختی و جرات‌ورزی با موفقیت تحصیلی در دانشجویان، توسعه آموزش جندی شاپور، ۸ (۲)، ۲۲۶-۲۳۳.
- [۱۳] مهری‌زاد، سید ابوالقاسم، شریفی، مهشید، (۱۳۹۶)، رابطه مکانیسم‌های دفاعی سازگارانه و ناسازگارانه با دین‌داری در دانشجویان، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۵ (۸)، ۱۱۷-۱۳۸.
- [۱۴] نصیری، نسترن، غلامیان، هیلدا، غیور نجف‌آبادی، محبوبه، (۱۳۹۹)، مقایسه پرخاشگری و خشم رقابتی و سرسختی ذهنی زنان و مردان دوومیدانی کار نخبه ایرانی، علوم حرکتی و رفتاری، ۳ (۴)، ۴۴۱-۴۴۹.
- [15] Abdollahi, A. & Panahipour, S. & Akhavan Taft, M. & Allen, K. A. (2020). Academic hardiness as a mediator for the relationship between school belonging and academic stress. *Psychol. Sch.* 57. 823-832.
- [16] Aouad, P. & Hay, P. & Foroughi, N. & Cosh, S. M. & Mannan, H. (2021). Associations Between Defence-Style, Eating Disorder Symptoms, and Quality of Life in Community Sample of Women: A Longitudinal Exploratory Study. *Frontiers in psychology*. 12. 2477.
- [17] Brown, J. (2017). The relationship between students' social adjustment and psychological hardiness and well-being. *Personality and Individual Differences*. 42 (11). 127-138.

[46] Weber, R. & Ehrental, J. C. & Brock-Midding, E. & Halbach, S. & Würstlein, R. & Kowalski, C. & [46]Ernstmann, N. (2021). Defense Mechanisms and Repressive Coping Among Male Breast Cancer Patients. *Frontiers in Psychiatry*. 12.

[47] Ziegler, D. J. (2016). Defense mechanisms in rational emotive cognitive behavior therapy personality theory. *J. Ration. Emot. Cogn. Behav. Ther.* 34. 135-148.

[48] Zimmerman, T. N. & Porcerelli, J. H. & Arterbery, V. E. (2019). Defensive functioning in cancer patients, cancer survivors, and controls. *Psychoanal. Psychol.* 36. 259-262

[43] Sala, M. N. & Testa, S. & Pons, F. & Molina, P. (2015). Emotion regulation and defense mechanisms. *Journal of Individual Differences*. 36 (1). 19-29.

[44] Schuur, J. & van Weerdenburg, M. & Hoogeveen, L. & Kroesbergen, E. H. (2021). Social-Emotional Characteristics and Adjustment of Accelerated University Students: A Systematic Review. *Gifted Child Quarterly*. 65(1). 29-51.

[45] Tamminen, K. A. & Crocker, P. R. E. (2014). Simplicity does not always lead to enlightenment: a critical commentary on 'adaptation processes affecting performance in elite sport'. *J. Clin. Sport Psychol.* 8. 75-91.